

Challenges of Citizenship Rights in the Iranian Administrative System in Light of Good Governance

Zabihollah Salmani¹, Arkan Sharifi^{*2}, Haneh Farkish³

1. PhD student, Public Law Department, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Public Law, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Public Law, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.

Abstract

The role and responsibility of the government have changed comparing to the past, and the role of citizens within a favorable administrative system has formed the key components of modern governance. It is necessary to establish the desired governance system and a competent government according to new norms, such as the general principles of administrative law and guaranteeing and protecting citizens' rights through supervisory mechanisms, as well as creating a platform for citizens to play an active role in governing the country. Various challenges such as lack of transparency, lack of accountability, lack of rule of law, lack of access to information, politicization, mismanagement, etc., can be considered the most prominent challenges of the Iranian administrative system that must get identified and addressed in the light of good governance indicators.

The most prominent issue in this study is the answer to this question: from the perspective of good governance, what challenges does the Iranian administrative law system face in the field of civil rights? For this purpose, in the first stage, to extract the concepts and components of civil rights and good governance, the method of content analysis and grounded theory have been used. In the next step, the Delphi method has been used and the designed model has been evaluated and reviewed by experts. Finally, the expert survey method has been applied. The statistical population of this study is 40 people. The results indicate that absconding the law, lack of familiarity or low level of awareness of citizens with their rights within the framework of the Charter of Citizenship Rights, ineffective guarantee of implementation of laws in the field of civil rights, distrusting the administrative system on the part of citizens, and government irresponsibility are the most prominent challenges in the Iranian administrative system in light of good governance.

Keywords: Citizenship Rights, Iranian Administrative System, Administrative Law, Good Governance



Article Type:

Original Research

Pages: 199-229

Received: 2021 August 6

Revised: 2021 September 6

Accepted: 2022 February 21



 This is an open access article under the CC BY license.

*. Corresponding Author: arkansharifi@gmail.com

چالش‌های حقوق شهروندی در نظام اداری ایران در پرتوی حکمرانی خوب

ذبیح‌اله سلمانی^۱، ارکان شریفی^{۲*}، هانه فرکیش^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق عمومی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق عمومی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق عمومی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

چکیده

نقش و مسئولیت دولت در مقایسه با آنچه در گذشته بازی می‌کرد، تغییر کرده و نقش شهروندان و حقوق آن‌ها در چهارچوب یک نظام اداری مطلوب، مؤلفه‌های اصلی حکمرانی مدرن را تشکیل داده است. ایجاد یک سیستم حکمرانی مطلوب و یک دولت صالح با توجه به هنجارهای جدید مانند اصول کلی حقوق اداری و تضمین و صیانت از حقوق شهروندی از طریق سازوکارهای نظارتی و همچنین ایجاد بستری برای ایفای نقش فعال شهروندان در زمینه اداره کشور لازم به نظر می‌رسد. چالش‌های مختلفی مثل عدم شفافیت، عدم پاسخ‌گویی، عدم حاکمیت قانون، عدم دسترسی به اطلاعات، سیاست‌زدگی و سوءمدیریت و ... را می‌توان از چالش‌های نظام اداری ایران برشمرد که می‌بایست در پرتوی شاخص‌های حکمرانی مطلوب شناسایی و رفع شوند.

مهم‌ترین مسئله در این تحقیق پاسخ به این سؤال است: از منظر حکمرانی خوب، نظام حقوق اداری ایران با چه چالش‌هایی در حوزه حقوق شهروندی روبه‌روست؟ به این منظور در مرحله نخست پژوهش، برای استخراج مفاهیم و مؤلفه‌های حقوق شهروندی و حکمرانی خوب، از روش‌های تحلیل محتوا و نظریه‌پردازی داده‌بنیاد استفاده شده است. در مرحله بعد، به منظور ارزیابی مدل از روش دلفی استفاده شده و مدل طراحی شده در معرض قضاوت و ارزیابی صاحب‌نظران و خبرگان قرار گرفته است تا در صورت لزوم مورد بازنگری و اصلاح نهایی قرار گیرد. در پایان برای رصد وضع موجود، از روش نظرسنجی از خبرگان استفاده گردیده است. جامعه آماری این تحقیق ۴۰ نفر است. دیده شد که قانون‌گریزی، عدم آشنایی یا پایین بودن سطح آشنایی شهروندان با حقوق خود در چهارچوب منشور حقوق شهروندی، اثربخش نبودن ضمانت اجرای قوانین و مقررات حوزه حقوق شهروندی، وجود جو بی‌اعتمادی از طرف شهروندان نسبت به نظام اداری کشور، و عدم مسئولیت‌پذیری دولت مهم‌ترین چالش‌ها در نظام اداری ایران در پرتوی حکمرانی خوب هستند.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، نظام اداری ایران، حقوق اداری، حکمرانی خوب.



پنجمین هم‌نشینی حقوقی ایران

نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۱۹۹-۲۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۶/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۲



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده است.

درآمد

در هر برهه تاریخی دولت‌ها برای رفع مسائل و مشکلات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود به سیاست‌های خاصی روی آورده‌اند و همیشه، چگونگی حکومت کردن مورد توجه اندیشمندان سیاسی، جامعه‌شناسان و صاحب‌نظران حقوق عمومی بوده است. رهبران و مسئولان سیاسی نیز همواره تلاش دارند که نظام سیاسی‌شان را کارآمدتر سازند یا کارآمد جلوه دهند. تمامی حکومت‌ها هدف خود را دستیابی به خیر و مصلحت بیش‌تر برای شهروندان اعلام می‌کنند. اندیشمندان حقوق عمومی و علوم سیاسی نیز هدف سیاست و کارکرد نظام سیاسی را ایجاد نظم و ثبات از طریق کارآمدی نهادی می‌دانند. با این وجود، ناکارآمدی نهادهای سیاسی از جمله موضوعاتی است که همواره مطرح بوده است. اندیشمندان برای برون‌رفت از این وضعیت گاهی دولت حداقلی و زمانی دیگر دولت حداکثری و امروزه هم بحث حکمرانی خوب را مطرح کرده‌اند.

با توجه به تحولات اساسی که در زندگی شهروندان به وقوع پیوسته است، مطالبات و نیازهای شهروندان نیز به مراتب متعددتر و گوناگون‌تر گردیده است و دولت نیز با شکل سنتی خود نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای فعلی شهروندان باشد. بنابراین دولت‌ها برای پاسخ‌گویی به نیازهای فعلی شهروندان، نیازمند الگوی جدیدی هستند که بتواند از همه ظرفیت‌های جامعه برای تقویت پاسخ‌گویی و شفافیت، مشارکت و قانونمندی استفاده نماید. این الگوی نوین همان حکمرانی خوب است. نظریه حکمرانی خوب به معنای نحوه اداره کشور، شیوه تصمیم‌گیری و چگونگی تعامل بین دولت و مردم به عنوان بنیان توسعه است (جاسبی و نفری ۱۳۸۸: ۸۶).

نهادهای مالی بین‌المللی نظیر بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول همگی بر این باورند که حکمرانی خوب یک ضرورت حیاتی برای کمک به تحقق برنامه‌های توسعه است. حکمرانی مفهوم گسترده‌ای است که با حوزه‌هایی چون محیط اقتصادی و یا به عبارتی امنیت اقتصادی، سیاست، اجتماع و حقوق ارتباط مستقیم دارد. بانک جهانی، حکمرانی را شیوه استفاده از قدرت در مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی برای دستیابی به توسعه پایدار تعریف می‌کند. مطابق تعریف بانک جهانی، کشورهای عضو باید به بهبود سازوکارهای تخصیص منابع، فرآیندهای تدوین، انتخاب و اجرای

خط‌مشی‌ها و روابط بین شهروندان و حکومت بپردازند. قطع‌نامه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد به صورت آشکار، حکمرانی را در پیوند با بستر محیطی می‌داند که رو به سوی بهره‌مندی از حقوق بشر، و رشد و توسعه انسانی پایدار دارد. شاید بتوان بهترین راهکار برای بهبود نظام اداری کشور را در پیاده‌سازی الگوی حکمرانی خوب خلاصه نمود. مدل حکمرانی خوب، نحوه حکمرانی و کیفیت رابطه بین شهروندان و حکومت را نشان می‌دهد. این نظریه بر دخالت منطقی دولت و نقش تسهیل‌گری و هماهنگ‌کنندگی آن تأکید دارد. در یک تعریف کلی، حکمرانی خوب را مدیریت اثربخش منابع اجتماعی و اقتصادی یک کشور می‌دانند، به طوری که چنین مدیریتی شفاف، پاسخ‌گو، مشارکت‌جو و باز باشد. به طور کلی، حکمرانی خوب با مرتب ساختن نظام اداری و مدیریتی بر مبنای ساختارهای پویا و ضابطه‌مند، تبیین استراتژی دقیق در عرصه‌های مختلف فرهنگ سازمانی مترقی و بهره‌گیری از نیروهای شایسته و لایق در ایجاد اعتماد عمومی و افزایش مشروعیت و ثبات برای نظام سیاسی نقش مؤثری دارد. مهم‌ترین مسئله‌ای که این پژوهش به دنبال پاسخ به آن است این است که از منظر حکمرانی خوب، نظام حقوق اداری ایران با چه چالش‌هایی در حوزه حقوق شهروندی روبه‌روست.

۱- مبانی نظری

۱-۱. حکومت و حکمرانی

حکومت در لغت به معنای فرمان‌روایی و حکمرانی است، لذا وجود رابطه پایدار فرماندهی و فرمان‌گزاری میان فرمان‌فرما و فرمان‌گزار لازم است. در سیاست به معنای دستگاه فرمان‌روا در کشور است، ولی در علم سیاست و حقوق جدید میان «حکومت» از یک سو و «دولت» یا «کشور» از سوی دیگر، فرق گذاشته می‌شود. در نظام‌های قانونی جدید که در آن‌ها «تفکیک قوا» و اصل حکومت قانون به رسمیت شناخته شده است، حکومت به معنای «قوه اجرایی» به کار می‌رود. بنابراین، می‌توان گفت که حکومت تغییرپذیر است، در حالی که، دولت یا کشور نظراً پایدار است (آشوری، ۱۳۷۶: ۷۷-۷۸). حکمرانی به رابطه میان شهروندان و حکومت‌کنندگان اطلاق می‌شود (دباغ، نفری، ۱۳۸۸: ۵۲). انستیتوی حکمرانی اوتاوا حکمرانی را ترکیبی از سنت‌ها، قواعد و

آداب و رسوم شامل نهادها و فرآیندهایی می‌داند که تعیین می‌کند چگونه قدرت باید اعمال شود، چگونه شهروندان حق مشارکت و اعتراض دارند و چگونه تصمیمات در زمینه مباحث عمومی اتخاذ می‌گردد.

۲-۲. حکمرانی خوب

مفهوم حکمرانی خوب به دلیل جدید بودن آن هنوز به انسجام و استواری لازم نزدیک نشده است و تعابیر مختلفی در مورد آن به کار می‌رود. در برخی مواقع عبارت حکمرانی خوب به معنی دولت خوب تعبیر شده است اما باید به این نکته توجه نمود که وجود دولت خوب شرط لازم حکمرانی خوب است ولی شرط کافی آن نیست. در کاربرد جدید، این واژه فراتر از نهاد حکومت، شامل جامعه مدنی و بخش خصوصی نیز می‌شود. بر این اساس «حکمرانی خوب بر شراکت بین سه بخش دولت، نهادهای مدنی و بخش خصوصی تأکید دارد که به سبب آن امور عمومی و مسائل عمومی به شکل صحیح و بهینه‌تری اداره خواهد شد. در نتیجه، ارتباط صحیح و تعاملی سه بخش یادشده، زمینه تحقق حکمرانی خوب را در ابعاد اقتصادی، سیاسی و اداری فراهم می‌سازد» (شریف زاده، قلی‌پور، ۱۳۸۲: ۶۸).

در برخی تعاریف ویژگی‌های حکمرانی خوب برشمرده می‌شود. کارشناسان بانک جهانی با بیان ویژگی‌های حکمرانی خوب به معرفی آن می‌پردازند و معتقدند مؤلفه‌هایی چون مشارکت، حاکمیت قانون، پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری، توجه به آرای عمومی و توافق جمعی، برابری، اثربخشی و کارایی، چشم‌انداز استراتژیک حکمرانی خوب را شکل می‌دهند. برخی نیز حکمرانی خوب را با عناصرش معرفی می‌کنند و معتقدند که حکمرانی خوب شامل عناصر زیر است (سردارنیا و شاکری، ۱۳۹۳: ۸۸):

- در نظر گرفتن تنوع میان افراد، بین سازمان‌ها و مدیریت نیروها و نهادهای منطقه‌ای و جهانی؛

- پویایی محیط و فرآیندها و تغییر تعاملات میان بازیگران و نهادها؛
- عقلایی کردن نقش دولت؛
- تقویت افراد، ذی‌نفعان، شهروندان و جامعه مدنی و بخش خصوصی برای قبول نقش‌ها و مسئولیت‌های جدید؛

- ایجاد هم‌افزایی بین حکمرانی رسمی و خودگردانی غیررسمی؛
- ظرفیت‌سازی، شامل بهبود منابع انسانی، تقویت خط‌مشی و مدیریت مالی
و ایجاد و ارتقای شراکت در زمینه رشد کارساز اقتصادی و برابر در سطوح جهانی،
منطقه‌ای، ملی و محلی.

کمیسیون جامعه اروپا تصریح می‌کند که حکمرانی خوب، متضمن این موضوع
است که دولت‌مردان، نهادها و سازمان‌ها به حقوق بشر، اصول دموکراسی و قانونمندی،
احترام بگذارند. به‌طور کلی می‌توان گفت حکمرانی خوب، تعیین کیفیت و چگونگی
اداره سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور برای رسیدن به اهداف مشخص شده
است. این مورد دربرگیرنده روش‌ها و راهکارهایی است که شهروندان و سایر کنش‌گران
اجتماعی می‌توانند از این طریق، توانایی دنبال کردن علایق و حقوق قانونی خود را
داشته باشند (همان).

اگر حکمرانی را اعمال قدرت اقتصادی، سیاسی و اداری تعریف کنیم،
حکمرانی خوب عبارت است از فرآیندها و ساختارهایی که روابط اقتصادی، اجتماعی
و سیاسی را هدایت می‌کنند (Elahi, 2009:1167-1180). حکمرانی خوب به‌عنوان
فرآیندها و ساختارهایی تعریف می‌شوند که روابط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را
با توجه به تعهد به ارزش‌ها، هنجارها و اعمال دموکراتیک، خدمات توأم با اعتماد و
کارهای مبتنی بر صداقت جهت می‌دهد (زاهدی و ابراهیم‌پور، ۱۳۹۱: ۴۵). برنامه
توسعه ملل متحد ویژگی‌های مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، مسئولیت‌پذیری،
اجماع‌محوری، برابری، اثربخشی و کارایی، و پاسخ‌گویی را برای حکمرانی خوب نام
برده است (Elahi, 2009:1167-1180).

مجمع عمومی سازمان ملل طی قطع‌نامه‌ای که به‌عنوان اعلامیه هزاره^۱ مشهور
شده است، در بخش پنجم خود تحت عنوان «حقوق بشر، دموکراسی و حکمرانی
خوب» مواردی را پذیرفته است. در این متن به‌طور صریح سخنی از حکمرانی خوب
به میان نیامده است، اما بنابر محتوا، معیارهایی در نظر گرفته شده است که عناصر
و اجزای مفهوم حکمرانی خوب را تشکیل می‌دهند؛ مانند، احترام به اعلامیه جهانی
حقوق بشر، حمایت از حقوق مدنی و سیاسی، مشارکت فعال مردم در فرآیندهای

سیاسی و آزادی اطلاعات و رسانه‌ها. بدین جهت، از نظر ماهوی مفهوم حکمرانی خوب در عین این که در واقع همان معیارها و ضوابط و استانداردهای حقوق بشر است، مجموعه‌ای از مکانیزم‌ها، روش‌ها، فرآیندها، سیاست‌ها و مدیریت‌های اجرایی را نیز در همان راستا در بر دارد که لوازم اجرایی حقوق بشر در کشورهای عضو است (زارعی، ۱۳۸۳: ۱۶۱).

برخی شاخص‌های حکمرانی خوب را می‌توان به این شرح برشمرد: (۱) ثبات و عدم خشونت، (۲) حاکمیت قانون، (۳) کارآمدی، (۴) پاسخ‌گویی، (۵) شفافیت، و (۶) مشارکت عمومی.

۲-۳. شهروند و حقوق شهروندی

«شهروند» مرکب از دو کلمه «شهر» به معنای جامعه انسانی و «وند» به معنای عضو وابسته به این جامعه است. در مورد اصطلاح «شهروند» مسلم است که به صرف جمع شدن افراد در مکانی خاص و تشکیل اجتماع انسانی، شهر و به تبع آن شهروند به وجود نمی‌آید. به عبارت دیگر، اجتماع انسانی شرط لازم شهروندی محسوب می‌شود، ولی کافی نیست. افراد زمانی لقب شهروند به خود می‌گیرند که حقوق و تکالیف خود را بشناسند و به آن عمل کنند. در این صورت، شهر تشکیل می‌شود و شهروند معنا و مفهوم پیدا می‌کند (علیدوستی، ۱۳۸۸: ۷۷-۴۷).

در تعریفی دیگر شهروندی رابطه بین فرد و جامعه را در قالب حقوق و مسئولیت بازنمایی می‌کند. شهروندی هر دو عنصر فردگرایانه را در خود دارد، بدین ترتیب که شهروندی از یک طرف با اعطای حقوق، فضای لازم را به فرد می‌دهد تا فارغ از هرگونه رقابت، منافع خود را دنبال نماید و هم‌چنین فرد را قادر می‌سازد که دستی در شکل دادن نهادهای حکومتی عمومی داشته باشد (فالكس، ۱۳۸۱: ۱۵). به عبارت دیگر، شهروندی عضویت فعال و منفعل افراد در یک دولت، ملت یا حقوق و تعهدات همگانی در سطح مشخص شده‌ای از برابری است (ترکمان و بهمن‌پور، ۱۳۸۹: ۱-۲۲).

شهروندی برای فرد در ارتباط با یک دولت منزلتی است، که از نظر حقوق بین الملل نیز محترم شمرده می‌شود. به حقوق فرد و تکالیف او در برابر دولت، که چگونگی آن را قانون اساسی کشور معین می‌کند، رابطه شهروندی می‌گویند. اساساً کسی شهروند

شمرده می‌شود که تنها فرمان‌گزار دولت نباشد، بلکه از حقوق فطری و حقوق طبیعی نیز برخوردار باشد و دولت این حقوق را رعایت و از آن حمایت کند. منزلت شهروندی را قوانین هر دولتی تعیین می‌کند و معمولاً تابع دو چیز است: یکی زادگاه، و دیگری ملیت پدر و مادر. شهروندی یک کشور از راه ازدواج با زن و مرد شهروند آن کشور نیز به دست می‌آید. اما این‌گونه شهروندی اغلب همه حقوق شهروندی (از جمله کسب مشاغل دولتی) را با خود نمی‌آورد. (راسخ، ۱۳۸۲: ۲۷).

به‌طور کلی در تمام تعاریفی که از شهروندی شده است مفهوم عضویت در اجتماع، برخورداری از حقوق برابر و عهده‌دار بودن وظایف عام یا مشارکت دیده می‌شود. مسلماً کیفیت و کمیت مشارکت فرد در جامعه که همان تکلیف او در قبال جامعه است، به میزان بالایی تحت تأثیر کیفیت و کمیت حقوق او و میزان برخورداری او از این حقوق بستگی دارد. مفهوم شهروندی در بعد اجتماعی ایده‌ای است که در اروپای غربی مطرح شد و در قرون شانزدهم و هفدهم میلادی با فراگیر شدن آن، انتشار یافت. مفهوم شهروندی را می‌توان در مجموع جزء مفاهیم جدیدی دانست که با زندگی برخاسته از تجدد فرهنگ انسان اجتماعی درهم آمیخته است. شهروندی در دوره زمانی نسبتاً کوتاهی، به مفهوم مهمی برای توصیف، درک و تبیین شیوه‌های مختلفی که اعضای جامعه در فرآیند توسعه در آن سهیم یا از آن محرومند بدل گردیده است (نوروزی و گل‌پرور، ۱۳۸۹: ۱۹۰).

شهروندی فعال و مسئولانه فقط به معنای تعلق به جامعه‌های گوناگون محلی و ملی و جهانی نیست بلکه به معنای مشارکت فعال در زندگی اجتماعی و نهادهای جمعی نیز هست. این مشارکت مسئولانه نیازمند استفاده درست و منصفانه و مراقبت‌کننده از منابع عمومی مادی و اجتماعی نیز هست. این مسئولیت‌های شهروندی منحصر به افراد نیست بلکه هر نهاد کوچک و بزرگ عمومی (اعم از خصوصی و دولتی) نیز وظیفه دارد حقوق سایر افراد و نهادها و مسئولیت‌های شهروندی خود را کاملاً رعایت کند. به بیان دیگر، شهروندی فقط یک مقوله شخصی و فردی نیست؛ بلکه، می‌توان سطوح دیگری از شهروندی، نظیر «شهروندی خانوادگی»، «شهروندی شغلی»، «شهروندی فرهنگی» و نظایر این‌ها را تعریف کرد که در هریک از این موارد فرد حقوق و مسئولیت‌های خانوادگی، شغلی و فرهنگی و امثال آن را دارد.

می‌توان گفت جامعه‌ای موفق است که مسئله حقوق شهروندی را آموزش دهد و نظم اجتماعی را حاکم سازد. جذابیت شهروندی صرفاً به خاطر منافی نیست که به فرد می‌رساند؛ شهروندی یک مسئله دوجانبه است. یک جامعه می‌تواند بدون بیان رسمی حقوق به درستی کار کند، اما به سختی می‌توان وجود یک جامعه انسانی باثبات را بدون وجود حس تعهد میان اعضایش تصور کرد. بنابراین شهروندی مبنای عالی برای اداره امور انسان به‌شمار می‌رود.

مهم‌ترین شاخص‌های حقوق شهروندی را می‌توان به این صورت برشمرد: (۱) آگاهی از حقوق شهروندی، (۲) پایگاه اجتماعی، (۳) استفاده از رسانه‌های جمعی، (۴) حضور در عرصه عمومی. (پورحسینقلی هیر و همکاران، ۱۳۹۳: ۴)

۴-۱. حقوق شهروندی در نظام اداری

در عصر کنونی به دلیل گسترش موضوعات اداری و وظایف پیچیده دولت در جامعه، مشخص کردن تمام جزئیات و شرایط حاکم بر تصمیمات اداری از جانب قانون‌گذار میسر نیست. بنابراین واگذاری این اختیار به قوه مجریه برای برآورده کردن منافع عمومی و برگزیدن بهترین تصمیم امری بدیهی است. اما دادن اختیار مطلق و جدا از هرگونه محدودیت در تصمیم‌گیری‌ها که منجر به تصمیمات نابخردانه گردد، و در نهایت تضييع حقوق افراد جامعه، بی‌ثباتی در معیارهای اداری و به نوعی گسترش تصمیمات سلیقه‌ای را در بر داشته باشد، درست به نظر نمی‌رسد. در صورت بروز، این عملکرد قوه مجریه منجر به عدم پیش‌بینی تصمیمات اداری خواهد شد، خودسری در تصمیمات از جانب دولت یقیناً زندگی مردم جامعه را تحت‌الشعاع قرار خواهد داد، و باعث ناتوانی مردم در تنظیم امور زندگی‌شان خواهد شد.

نظام اداری هر جامعه به دلیل ارتباط مستقیم با آحاد مردم از اعتبار خاصی برخوردار است و یکی از نقاط ضعف کشورهای توسعه‌نیافته ناکارآمدی سیستم اداری آن‌هاست. در یک نظام اداری ناکارآمد و ضعیف وجود ابهام در قوانین و در نتیجه آن تفسیرهای شخصی در اجرای قوانین، تبعیض و فساد اداری و پاسخ‌گو نبودن سیستم اداری، اتلاف منابع دولت و بهره‌برداری گروهی خاص از امکانات عمومی، ضعف در سیستم‌های نظارتی و نبود امکان استیغای حقوق شهروندی برای افراد جامعه، و در

نهایت نارضایتی عمومی مردم از دولت مشاهده می‌شود. در واقع تصمیمات اداری در یک جامعه به نوعی باید از مدل‌های خاص پیروی کنند.

از جمله مسائل دیگر که می‌تواند قابل پیش‌بینی بودن یک تصمیم اداری را تحت‌الشعاع خود قرار دهد، نظام سلامت اداری است که عوامل بیرونی همچون عدم تمایز پست‌های اجرایی از پست‌های سیاسی و نادیده گرفتن شایسته‌سالاری و تخصص در مراتب اداری، نبود سیستم ارزشیابی عملکرد مقامات اداری، کمبود یک ارتباط تعریف‌شده بین نهادهای اداری را شامل می‌شود. نبود یک توجیه منطقی برای حیات سازمان‌ها براساس ضرورت و نه براساس منافع برای مدیران، و عواملی مانند برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، مدیریت منابع و دیگر متغیرهای مدیریتی از نکات قابل توجه هستند.

اولین گام در یک تصمیم اداری مؤثر که قابلیت پیش‌بینی دارد این است که باید اطلاعات درونی و بیرونی اداری را که تأییدکننده انحراف از هدف تصمیم‌گیری است مورد کنترل، ارزیابی، تحلیل، و تحت نظارت قرار داد. پیچیدگی اهداف، تصمیم در مورد زمان مورد نیاز برای جواب‌گویی به یک تصمیم اداری، تعداد افراد و مشاورانی که در مورد آینده یک تصمیم به تفسیر و تحلیل خواهند پرداخت، از مسائلی است که نباید از دید پنهان بماند. بی‌توجهی به تبعات یک تصمیم اداری می‌تواند به نوعی بی‌توجهی به خواسته‌های عمومی و در نهایت منجر به فساد اداری شود که در مراحل بالاتر مشروعیت دولت را تهدید خواهد کرد. عامل مؤثر دیگر که در اتخاذ تصمیم‌های اداری قابلیت پیش‌بینی ندارد، استبدادی بودن نظام سیاسی است؛ نظامی که برخاسته از رأی مردم نباشد و خود را در مقابل مردم و آینده آن‌ها پاسخ‌گو نداند. یک سیستم اداری فاسد فاقد هرگونه آینده‌نگری است. تصمیمات اداری که منجر به نقض شدید حقوق و منافع افراد جامعه شوند، تصمیمات غیرعقلانی محسوب می‌شوند. این تصمیمات ممکن است در کل تصمیمات غیرقابل اجرایی برای نظام اداری یک کشور باشند.

۱-۵. چالش‌ها و موانع تحقق حقوق شهروندی

برسر راه تحقق حقوق شهروندی چالش‌ها و موانعی وجود دارد. تحقیقات برخی موانع اصلی تحقق حقوق شهروندی را به شرح زیر می‌دانند (زارعی و عسکری، ۱۳۹۶):

۱. عدم اشاره صریح و شفاف به موضوع حقوق شهروندی در قانون اساسی

(تعریف نشدن حقوق شهروندی به صورت صریح در قانون اساسی)؛
۲. وجود قید و بندهای کلی در قوانین مربوط به حقوق شهروندی (مانند اصول (۲۵) و (۲۶) قانون اساسی)؛

۳. نبود ضمانت اجرای کارآمد در صورت نقض حقوق شهروندی؛

۴. آگاه نبود شهروندان از حقوق و تکالیف خود؛

۵. فعال نبود نهادهای مدنی در زمینه حقوق شهروندی؛

۶. مبهم بودن حق و تکلیف در قوانین مربوط به حقوق شهروندی.

در همین تحقیق راهکارهایی نیز برای افزایش استانداردهای حقوق شهروندی ارائه شده است؛ از جمله: (۱) به رسمیت شناخته شدن حقوق شهروندی در حقوق بالادستی، (۲) مشخص شدن گستره حقوق شهروندی، (۳) تشریح دقیق قیود کلی و مصادیق حقوق شهروندی در قانون اساسی، (۴) ایجاد ضمانت اجرایی متقن و مؤثر، (۵) افزایش سطح آگاهی عمومی نسبت به حقوق شهروندی، (۶) حمایت از نهادهای مدنی مربوط به حقوق شهروندی، (۷) همکاری قوای سه‌گانه در زمینه ارتقای حقوق شهروندی، (۸) ایجاد تعامل بین دولت و شهروندان.

شاید بتوان گفت اصلی‌ترین موانع تحقق کامل حقوق شهروندی در ایران عبارت است از:

۱. فقدان منابع و فرصت‌های اجتماعی؛

۲. نبود آگاهی و شناخت؛

۳. ابهام‌های موجود در قوانین مربوط به حقوق شهروندی و اجرای این حقوق

(لندیان، سلیمی، ۱۳۹۹؛ ۵۳۰).

در پژوهش دیگری موضوع چالش‌های حقوق شهروندی در مواجهه با نیروهای امنیتی به عنوان مهم‌ترین نیرو در حفظ امنیت شهروندان بررسی شده است. چالش‌های حقوق شهروندی در این پژوهش به این صورت مورد بررسی قرار گرفته است: (۱) فقدان فرهنگ شهروندمدار، (۲) شناساندن تعزیرات به مردم، (۳) کم‌رنگ شدن حقوق شهروندی در دادرسی‌ها (لندیان، سلیمی، ۱۳۹۹).

۱-۶. تصویب‌نامه حقوق شهروندی در نظام اداری

به دنبال اعلام منشور حقوق شهروندی در ۲۹ آذرماه ۱۳۹۵ از سوی ریاست

جمهوری اسلامی ایران، سازمان اداری و استخدامی کشور در اجرای تکلیف مقرر در بند (۵) قسمت «ب» بیانیه رئیس‌جمهور، تبیین مفهومی منشور در نظام اداری کشور را در دستور کار خود قرار داد. حاصل این تلاش به عنوان یک اقدام مبنایی و مهم، تبیین «حقوق شهروندی در نظام اداری» برگرفته از مفاد منشور و بیانیه رئیس‌جمهور و با استفاده از نظرات مدیران و صاحب‌نظران مدیریت و حقوق اداری بود که در تاریخ ۹ بهمن ۱۳۹۵ به تصویب شورای عالی اداری رسید و از سوی رئیس‌جمهور به کلیه دستگاه‌های اجرایی ابلاغ شد.

در این مصوبه اصول و مبانی حقوق شهروندی در نظام اداری آمده است و مصادیق حقوق شهروندی که در این تصویب‌نامه مورد تأکید قرار گرفته است به شرح زیر است:

۱. حق برخورداری از کرامت انسانی و رفتار محترمانه و اسلامی.
۲. حق برخورداری از اعمال بی‌طرفانه قوانین و مقررات.
۳. حق مصون بودن از تبعیض در نظام‌ها، فرایندها و تصمیمات اداری.
۴. حق دسترسی آسان و سریع به خدمات اداری.
۵. حق حفظ و رعایت حریم خصوصی همه افراد.
۶. حق آگاهی به موقع از تصمیمات و فرآیندهای اداری و دسترسی به اطلاعات مورد نیاز.
۷. حق اظهار نظر آزاد و ارائه پیشنهاد در مورد تصمیمات و فرایندهای اداری.
۸. حق مصون بودن از شروط اجحاف‌آمیز در توافقات، معاملات و قراردادهای اداری.
۹. حق اشخاص توان‌خواه در برخورداری کامل و سریع از امتیازات خاص قانونی.
۱۰. حق رسیدگی به موقع و منصفانه به شکایات و اعتراضات.
۱۱. حق جبران خسارات وارده در اثر قصور یا تقصیر دستگاه‌های اجرایی و کارکنان آن‌ها.

دامنه شمول این مصوبه فراتر از قوه مجریه و مشتمل بر تمام دستگاه‌هایی است که به‌نحوی از بودجه عمومی استفاده می‌کنند. اجرای این مصوبه یک ضمانت مشخص و قوی دارد. مطابق ماده (۱۹) تصویب‌نامه، هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری مکلف شده‌اند شکایات واصله از مردم یا دستگاه‌های نظارتی را در خصوص عدم رعایت یا نقض

۲. مروری بر تحقیقات پیشین

۲-۱. پیشینه داخلی

حیدری سرنقی (۱۳۹۶) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی رابطه حکمرانی خوب با سرمایه اجتماعی» کارکنان شاغل در شرکت بیمه پاسارگاد را در شهر تهران مورد بررسی قرار داد. یافته‌های پژوهش نشان داد که ضریب هم‌بستگی پیرسون میان حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی ۰/۵۱۹ است؛ این امر بیانگر آن است که میان حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که از بین مؤلفه‌های حکمرانی خوب، شفافیت، کنترل فساد و مسئولیت‌پذیری بر متغیر سرمایه اجتماعی تأثیر گذارند و مؤلفه کنترل فساد مهم‌ترین نقش را در سرمایه اجتماعی دارد.

فلاح حیدری و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان «تحلیلی بر وضعیت حکمرانی خوب شهری در شهر میوان» به سنجش شاخص‌های حکمرانی خوب شهری (پاسخ‌گویی، عدالت‌محوری، مشارکت، توافق جمعی، مسئولیت‌پذیری و قانون‌مندی) پرداختند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که وضعیت شاخص‌های حکمرانی خوب در شهر میوان برای شاخص‌های مشارکت و مسئولیت‌پذیری در حد متوسط و برای شاخص‌های عدالت‌محوری و توافق جمعی مناسب نیست. این نتایج نشان می‌دهد که وضعیت شاخص‌های پاسخ‌گویی و قانونمندی مناسب است.

سهگانه و صانعی (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان «ارزیابی وضعیت حکمرانی در نظام اداری جمهوری اسلامی ایران» با استفاده از مدل مطرح‌شده در بانک جهانی، به بررسی وضعیت شاخص‌های حکمرانی خوب در نظام اداری ایران از منظر خبرگان پرداختند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که در پنج شاخص حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی، اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد، نظام اداری ایران در وضعیت نامطلوبی قرار دارد و تنها در شاخص ثبات سیاسی و نبود خشونت فرضیه مطلوب بودن نظام اداری تأیید، ولی با حد ایده‌آل فاصله زیادی دارد.

امیرعبدالهیان (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر اعتماد شهروندان نسبت به دولت» کارکنان و مراجعان ادارات برق استان سمنان را مورد بررسی قرار دادند. نتایج این تحقیق بیانگر آن است که تأثیر حکمرانی خوب و ابعاد

آن (نتیجه‌گرایی، اثربخشی نقش‌ها و وظایف، ارتقای ارزش‌ها، شفاف‌سازی، ظرفیت‌سازی، پاسخ‌گویی) بر اعتماد مورد تأیید قرار گرفته است.

توحید فام و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان «نقش فرهنگ سیاسی در حکمرانی خوب» با توجه به دسته‌بندی ارائه‌شده برای انواع فرهنگ سیاسی از سوی الموند و وربا در سه دسته کلی مشارکتی، تبعی، و محدود با ارائه خصوصیات آن‌ها و قیاس با شاخص‌های ارائه‌شده از سوی بانک جهانی برای حکمرانی خوب به این نتیجه رسیدند که فرهنگ سیاسی مشارکتی، با توجه به تعاریف و ویژگی‌هایی که دارد، به‌عنوان نوع مترقی فرهنگ سیاسی با توجه به جامعه‌پذیری سیاسی ایجادشده در آن و هم‌چنین توانایی‌هایی که برای ایجاد و پذیرش الگوی حکمرانی خوب دارد، می‌تواند به‌عنوان زمینه‌ساز و بستری مناسب، عاملی مهم و تأثیرگذار برای نیل به این مهم تلقی گردد.

ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی ارتباط بین دموکراسی، حکمرانی خوب و فساد اقتصادی در دو گروه کشورهای منتخب OPEC و OECD» با استفاده از رویکرد داده‌های تابلویی، طی سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۰ تأثیر این عامل مهم بر فساد را در ۸۸ کشور منتخب OPEC و ۸۸ کشور منتخب OECD با توجه به نقش دموکراسی مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان می‌دهد که وجود نهادهای دموکراتیک قوی‌تر باعث بالا رفتن سطح دموکراسی شده که آن نیز می‌تواند سطح فساد را کاهش دهد. این نتیجه بازخور این مطلب است که در سطح دموکراسی بالا، سیستم نظارت و کنترل فساد که از شاخص‌های حکمرانی خوب است بیشتر می‌شود و می‌تواند از بروز فساد اقتصادی جلوگیری کند.

معرفت قره‌بابا (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان «مقایسه حکمرانی خوب و حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی» نشان داد که هرچند بین حکمرانی خوب و حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی شباهت‌هایی وجود دارد اما در اساس این دو مقوله با یکدیگر تفاوت بنیادین دارند. این تفاوت را در تک بعدی (مادی) بودن حکمرانی خوب و دویعدی (مادی و الهی) بودن حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی، نسبی بودن ارزش و اصول در حکمرانی خوب و مطلق بودن ارزش و اصول در حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی، مقایسه هدف نهایی حکمرانی خوب (امنیت و رفاه جامعه و رشد اقتصادی)

و هدف نهایی حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی (رشد اقتصادی و تأمین امنیت و رفاه جامعه به‌عنوان راهبردی برای هدف تعالی انسان) دانست. بنابراین، ارائه مدلی بومی در زمینه حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی ضروری است.

شاکری (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان «حکمرانی خوب شهری، توسعه پایدار و نگاهی اجمالی به حکمرانی شهری در ایران» دریافت حکمرانی شهری در ایران به دلیل تعدد مراجع تصمیم‌گیرنده، حالت نازایی دارد و ارائه برنامه به صورت روزانه است و بیشتر مدیران شهری به دنبال حل موقت مسائل و مشکلات شهری هستند تا اینکه به حل بنیادین آن‌ها بپردازند. البته گرچه در این زمینه اقداماتی صورت گرفته ولی چندان ثمربخش نبوده است.

نوابخش و بذرافشان (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی میزان سنجش توسعه پایدار شهری در شهر شیراز در ۱۰ سال اخیر» ساکنان بالای ۱۵ سال شهر شیراز را مورد بررسی قرار دادند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که میزان استفاده از رسانه‌های جمعی، میزان مطالعه، میزان مهارت‌های اجتماعی، میزان حکمرانی خوب، رفتار زیست‌محیطی، تمایل به مشارکت، میزان حقوق شهروندی، میزان استفاده از اوقات فراغت و میزان مشارکت اجتماعی با توسعه پایدار شهری هم‌بستگی دارد و این متغیرها روی هم‌رفته ۳۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

حمزه‌ای و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان «حکمرانی خوب در شهرداری مشهد» اصول و استانداردهای کمیسیون مستقل حکمرانی خوب در سال ۲۰۰۴ را با اقدامات انجام‌شده در شهرداری مشهد در راستای دستیابی به حاکمیت مطلوب تطبیق دادند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که اقدامات صورت‌گرفته در ۳/۸۳ درصد موارد با اصول حکمرانی خوب، شفاف‌سازی، پاسخ‌گویی، اثربخشی نقش‌ها و وظایف نتیجه‌گرایی و ظرفیت‌سازی تطبیق داشته و فقط اصل ارتقای ارزش‌ها در این اقدامات دیده نمی‌شود.

فرهادی ایوبلو (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی ویژگی الگوی حکمرانی خوب در افزایش کارایی نظام اداری سازمان امور اقتصادی و دارایی فارس» هفت شاخص از شاخص‌های الگوی حکمرانی خوب و شاخص کارایی نظام اداری را مورد مطالعه قرار داد (کنترل فساد، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، حاکمیت قانون،

کیفیت قوانین و مقررات، حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی). نتایج پژوهش نشان داد که میان شاخص‌های الگوی حکمرانی خوب و افزایش کارایی نظام اداری در سازمان امور اقتصادی و دارایی فارس رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد و هم‌چنین نتایج تحقیق بیانگر آن بود که مؤلفه کنترل فساد بیشترین سهم را در تبیین متغیر وابسته دارد و مؤلفه حاکمیت قانون ضعیف‌ترین پیش‌بینی‌کننده است و مؤلفه حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی نقشی در پیش‌بینی کارایی نظام اداری در سازمان امور اقتصادی و دارایی فارس ندارد. نتایج هم‌چنین نشان داد که هیچ‌یک از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، شامل جنس، سن، سابقه کار و تحصیلات رابطه معنی‌داری با کارایی نظام اداری ندارند. مقیمی و اعلائی اردکانی (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان «سنجش شاخص‌های حکمرانی خوب و نقش دولت الکترونیک در ارتقای آن» نشان دادند استقرار دولت الکترونیکی به ارتقای پاسخ‌گویی، اثربخشی نقش‌ها و وظایف، ظرفیت‌سازی، شفاف‌سازی، نتیجه‌گرایی و ارتقای ارزش‌ها به‌عنوان شاخص‌های حکمرانی خوب منجر می‌شود.

عجمی (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی اثر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی (مطالعه بین‌کشوری)» سه دسته کشور را مورد بررسی قرار دادند (کشورهای پیشرفته، در حال توسعه و عقب‌مانده). معیار انتخاب این کشورها، سرانه تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۹ است. در هر دسته ۵ کشور انتخاب و بررسی شد که در هر دسته بررسی گردید که آیا حکمرانی خوب رابطه مثبت و معنی‌داری با رشد اقتصادی کشورها دارد یا خیر. نتیجه برازش مدل نشان می‌دهد که شاخص حکمرانی خوب در هر سه دسته رابطه مثبت و معنی‌داری با رشد اقتصادی داشته است. به عبارت دیگر بهبود هر یک از شاخص‌های حکمرانی، که به طور طبیعی شاخص کلی حکمرانی را بهبود می‌بخشد باعث افزایش رشد اقتصادی در هر یک از سه دسته کشورها با درآمد بالا، در حال توسعه و عقب‌مانده شده است.

نقیبی منفرد (۱۳۸۹) در پژوهشی تحت عنوان «حکمرانی مطلوب در پرتوی جهانی شدن حقوق بشر» حکمرانی مطلوب را مورد بررسی قرار می‌دهد. از نظر وی حکمرانی مطلوب تقید دولت به حرمت نهادن بر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی شهروندان دلالت دارد. او رابطه میان دولت و شهروند خویش را از حوزه امور صرفاً داخلی خارج ساخته و حاکمیت مطلق دولت در این زمینه را سخت در معرض تهدید می‌داند.

وی معتقد است که جهانی شدن حقوق بشر این پتانسیل را در خود دارد که هر انسانی را از جایگاه رفیع شهروندی جهانی برخوردار می‌نماید و جامعه بین‌المللی را به سوی مدینه فاضله جهانی سوق می‌دهد. از نظر وی حکمرانی مطلوب سنتزی است که از چالش میان حاکمیت دولت و جهانی شدن حقوق بشر حاصل شده است.

قلی‌پور (۱۳۸۳) در پژوهشی تحت عنوان «نقش دولت در حکمرانی خوب، تحلیل و امکان‌سنجی در ایران» به امکان‌سنجی الگوی حکمرانی خوب در ایران پرداخته است؛ با این استدلال که ایران کشوری است متمایز از سایر کشورها با ساختار سیاسی و مدیریتی متفاوت که پذیرش هر الگوی بیرونی برای اعمال حاکمیت در آن، نیازمند بسترشناسی و امکان‌سنجی است.

۲-۲. پیشینه خارجی

کیموتای و آلووی (۲۰۱۸) در پژوهشی تحت عنوان «حکمرانی خوب و خدمات‌رسانی: مطالعه مشارکت شهروندان در شهرستان کیسومو» به بررسی تأثیر مشارکت شهروندان در مدیریت ارائه خدمات در شهرستان کیسومو پرداختند. یافته‌ها نشان داد که این مشارکت، مالکیت عمومی پروژه‌های دولتی و مسئولیت‌پذیری را افزایش داده است. با این حال، دامنه و اثربخشی مشارکت عمومی در شهرستان مانع از دخالت سیاسی، حضور کم در عملکرد دولت و عدم درک کافی از رویه‌های دولت در میان اعضای جامعه شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که آموزش شهروندی باید برای افزایش مقیاس و کیفیت مشارکت عمومی در شهرستان کیسومو افزایش یابد.

ژانگ (۲۰۱۲) در پژوهشی تحت عنوان «افزایش تقاضای شهروندان برای حکمرانی خوب در کنیا» به بررسی این امر پرداخت که چگونه تنوع محتوای کمپین اطلاعات می‌تواند بر رفتار سیاسی در روستاها تأثیر بگذارد. به نظر می‌رسد که تمایل به نظارت بر پروژه‌های توسعه محلی توسط سیاست‌گذار، با دسترسی اجتماعی به رهبران عمومی متفاوت است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که کمپین‌های اطلاعاتی می‌توانند به‌طور بالقوه شهروندان را از طریق ارتباطات سیاسی به منظور نظارت بر عملکرد سیاست‌مداران در پروژه‌های توسعه محلی، حتی در خارج از سال‌های انتخابات، تحریک کنند.

ژوماشف (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای به ارتباط بین کیفیت حکومت، مقدار هزینه‌های عمومی و تأثیر توسعه اقتصادی بر فساد اداری و رشد اقتصادی می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که اثر متقابل بین فساد اداری و حکومت‌داری، هزینه‌های دولت را شکل می‌دهد که به نوبه خود بر رشد فساد تأثیرگذار است. به‌طور خاص، فساد، تنها زمانی کارایی اقتصادی را بهبود می‌بخشد که اندازه دولت بزرگ‌تر از سطح مطلوب است. همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که بروز فساد با بالا رفتن توسعه اقتصادی کاهش می‌یابد که منجر به افزایش هزینه‌ها می‌گردد.

۳. روش پژوهش

در این پژوهش از روش آمیخته استفاده گردیده و کثرت‌گرایی در روش رعایت شده است. بدین ترتیب که در مرحله نخست پژوهش، به منظور استخراج مفاهیم و مؤلفه‌های حقوق شهروندی و حکمرانی خوب، از روش‌های تحلیل محتوا و نظریه‌پردازی داده بنیاد استفاده گردید. در مرحله بعد، به منظور ارزیابی مدل از روش دلفی استفاده شد و مدل طراحی شده در معرض قضاوت و ارزیابی صاحب‌نظران و خبرگان قرار گرفت تا در صورت لزوم مورد بازنگری و اصلاح قرار گیرد و حتی‌المقدور مجموعه و الگوی کامل‌تری از اصول مبنایی ضروری برای حقوق شهروندی در پرتوی حکمرانی خوب تدوین گردد. در پایان به منظور رصد وضع موجود، از روش نظرسنجی از خبرگان استفاده شد.

جامعه آماری این تحقیق ۴۰ نفر است که از کل ۴۰ نفر شرکت‌کننده در این تحقیق ۳۵ نفر (۹۲ درصد) متأهل و ۵ نفر (۸ درصد) مجرد هستند. ۲۳ نفر (۴۴/۱ درصد) در رده سنی ۲۵ تا ۳۵ سال، ۱۴ نفر (۴۱/۲ درصد) در رده سنی ۳۶ تا ۴۵ سال، ۲ نفر (۱۲/۵ درصد) در رده سنی ۴۶ تا ۵۵ سال، و ۱ نفر (۲/۲ درصد) در رده سنی بالاتر از ۵۵ سال قرار دارند. از نظر سابقه کاری ۱ نفر (۹/۶ درصد) سابقه کاری ۱ تا ۵ سال، ۱۶ نفر (۲۶/۵ درصد) سابقه کاری ۵ تا ۱۰ سال، ۲ نفر (۱۲/۵ درصد) سابقه کاری ۱۵ تا ۲۰ سال، و ۲۱ نفر (۵۱/۵ درصد) سابقه کاری بالاتر از ۲۰ سال دارند.

برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از کدنامه و یا چک‌لیستی که توسط محقق ساخته شد، استفاده گردید که با توجه به شاخص‌های انواع حقوق شهروندی تهیه

گردیده است. کارکرد کدنامه در تحلیل محتوای کمی شبیه کارکرد پرسش‌نامه در تحقیقات میدانی است. مقولات حقوق شهروندی در قالب چک‌لیست‌هایی تهیه گردید که پس از سرشماری و مرور چندباره جامعه آماری، اطلاعات و داده‌ها به شکل جداول توزیع فراوانی عرضه شد و مورد توصیف و تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

برای بررسی روایی محتوایی به شکل کمی، از ضریب نسبی روایی محتوا (CVR)^۱ استفاده گردید. برای تعیین CVR از متخصصان درخواست شد تا هر آیتم را براساس طیف سه‌قسمتی «ضروری است»، «مفید است ولی ضرورتی ندارد»، و «ضرورتی ندارد» بررسی نمایند. سپس پاسخ‌ها مطابق فرمول زیر محاسبه می‌گردد:

$$CVR = \frac{n_E - \frac{N}{2}}{\frac{N}{2}}$$

در این رابطه:

n_E : تعداد متخصصانی که به گزینه «ضروری است» پاسخ داده‌اند؛

N : تعداد کل متخصصان است.

اگر مقدار محاسبه‌شده از مقدار جدول بزرگ‌تر باشد اعتبار محتوای آن آیتم پذیرفته می‌شود.

در این مطالعه، توصیف حقوقی و تحلیل محتوا براساس قواعد منطقی حقوقی انجام گردیده است تا در نهایت بهترین نظرها به‌دست‌آمده و ابهامات موجود و جایگاه واقعی موضوع شناخته و ارائه شود. هم‌چنین، مطالعه نه تنها از جنبه‌های نظری، بلکه از جنبه‌های عملی و کاربردی نیز برخوردار است. در واقع در تهیه و گردآوری سعی خواهد شد با استفاده از روش تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای، علی‌رغم منابع محدود در این زمینه، نظرات حقوق‌دانان در هر زمینه که مربوط به این عنوان باشد، جمع‌آوری و در حد امکان با رجوع به کتب و مقالات ایشان، موضوعات بررسی و هم‌چنین رویه قضایی نیز در آن خصوص بیان گردد. در نهایت، فشرده نتایج به‌دست‌آمده به منظور ارائه پاسخی درخور شایسته به موضوع این مطالعه به شرح زیر جمع‌آوری گردیده است.

۴. نتایج

در بررسی «مؤلفه‌های ناکارآمد حقوق شهروندی در پرتوی حکمرانی خوب (جدول ۱)» مشخص شد که «قانون‌گریزی» به‌عنوان مهم‌ترین معیار شناسایی گردید و دیده شد که «ناهمگونی اجتماعی» اهمیت ناچیز دارد.

جدول ۱. نتایج آزمون فریدمن در بررسی مؤلفه‌های ناکارآمد حقوق شهروندی در پرتوی حکمرانی خوب

رتبه	میانگین رتبه	مؤلفه‌های ناکارآمد حقوق شهروندی در پرتوی حکمرانی خوب
۱۴	۵,۳۴	ناهمگونی اجتماعی
۱۳	۵,۷۹	عدم دسترسی به اطلاعات
۱۲	۶,۱۶	ساختار سازمانی پلورالیستی
۱۱	۶,۹۰	کاهش آزادی‌های مطروحه در قانون اساسی
۱۰	۷,۲۴	ضعف نظارت همگانی
۹	۷,۳۱	کاهش پاسخ‌گویی
۸	۷,۳۶	عدم استقلال و وابسته بودن دستگاه قضایی
۷	۷,۶۳	ضعف رسانه‌ها در ایفای کارکرد خود
۶	۷,۸۵	نارضایتی و بی‌میلی شغلی
۵	۸,۲۰	شخصی شدن تصمیمات
۴	۸,۳۹	رعایت نکردن قوانین و مقررات از سوی کارمندان
۳	۸,۶۸	وجود قوانین متعدد و تفسیرپذیر و گاه متناقض
۲	۸,۹۸	مقید نبودن وضع‌کنندگان قانون به قوانین و مقررات وضع‌شده
۱	۹,۱۹	قانون‌گریزی

در بررسی «مؤلفه‌های مؤثر در اجرایی نشدن حقوق شهروندی از سوی قانون‌گذاران (جدول ۲)» برآورد شد که «تعدد مراجع قانون‌گذاری» به‌عنوان مهم‌ترین معیار و «همگون و به‌روز نبودن قوانین و مقررات ضامن اجرای حقوق شهروندی» دارای اهمیت ناچیز است.

جدول ۲. نتایج آزمون فریدمن برای عوامل مؤثر در اجرایی نشدن حقوق شهروندی از سوی قانون‌گذاران

رتبه	میانگین رتبه	عوامل مؤثر در اجرایی نشدن حقوق شهروندی از سوی قانون‌گذاران
۲	۳,۶۳	وجود قوانین و مقررات موازی و یا متناقض
۳	۳,۵۵	نبود نظام تنقیح قوانین
۴	۳,۱۰	همگونی و به‌روز نبودن قوانین و مقررات ضامن اجرای حقوق شهروندی
۵	۳,۳۰	عدم آشنایی یا پایین بودن سطح آشنایی دستگاه‌های اجرایی با مفاد منشور حقوق شهروندی و تکلیف آنان
۶	۳,۸۳	تعدد مراجع فلّون‌گذاری
۷	۳,۶۰	نبود قوانین و مقررات نظارتی لازم برای ایجاد ضمانت اجرای حقوق شهروندی

در بررسی نتایج «عوامل مؤثر در اجرایی نشدن حقوق شهروندی از سوی ناظران (جدول ۳)»، «اثربخش نبودن سیستم قضایی در برآورده کردن دسترسی سهل و بدون تبعیض شهروندان به مراجع صالح و بی‌طرف قضایی، اداری و نظارتی» به‌عنوان مهم‌ترین معیار در نظر گرفته شد و مشخص شد که «نبود نظارت کافی بر دستگاه‌های اجرایی در اجرای مفاد منشور حقوق شهروندی» اهمیت ناچیز دارد.

جدول ۳. نتایج آزمون فریدمن برای عوامل مؤثر در اجرایی نشدن حقوق شهروندی از سوی ناظران

رتبه	میانگین رتبه	عوامل مؤثر در اجرایی نشدن کامل حقوق شهروندی از سوی ناظران
۲	۱,۴۵	نبود نظارت کافی بر دستگاه‌های اجرایی در اجرای مفاد منشور حقوق شهروندی
۱	۱,۵۵	اثربخش نبودن سیستم قضایی در برآورده کردن دسترسی سهل و بدون تبعیض شهروندان به مراجع صالح و بی‌طرف قضایی، اداری و نظارتی

در بررسی «عوامل مؤثر در اجرایی نشدن کامل حقوق شهروندی از سوی مجریان/ دستگاه‌های اجرایی (جدول ۴)» «عدم جبران خساراتی که در نتیجه قصور و یا تقصیر دستگاه‌های اجرایی و کارکنان آنان به شهروندان وارد شده است» به‌عنوان مهم‌ترین معیار در نظر گرفته شد و مشاهده شد که «کم بودن دسترسی به مدیران

و کارکنان دستگاه‌های اجرایی برای پاسخ‌گویی و ارائه راهنمایی‌های لازم» اهمیت کمتری دارد.

جدول ۴. نتایج آزمون فریدمن برای عوامل مؤثر در اجرایی نشدن کامل حقوق شهروندی از سوی مجریان / دستگاه‌های اجرایی

رتبه	میانگین رتبه	عوامل مؤثر در اجرایی نشدن کامل حقوق شهروندی از سوی مجریان / دستگاه‌های اجرایی
۶	۲,۵۶	کم بودن دسترسی به مدیران و کارکنان دستگاه‌های اجرایی برای پاسخ‌گویی و ارائه راهنمایی‌های لازم
۵	۳,۰۹	کمبود میزان ارائه و انتشار مستمر اطلاعات غیرطبقه‌بندی‌شده و مورد نیاز شهروندان توسط دستگاه‌های اجرایی
۴	۳,۶۴	عدم توجه به زیرساخت‌های ساختاری و فرآیندی در تأمین حقوق شهروندان در نظام اداری
۳	۳,۶۹	نبود سیستم اطلاع‌رسانی مناسب در ارتباط با تصمیمات و اقدامات نظام اداری در ارتباط با حقوق شهروندی و نحوه برقراری آن
۲	۳,۸۵	وجود رویکردهای سلیقه‌ای، جناحی، تبعیض‌آمیز و روش‌های ناقص حریم خصوصی در فرآیند جذب و گزینش نیروی انسانی
۱	۴,۱۸	عدم جبران خساراتی که در نتیجه قصور و یا تقصیر دستگاه‌های اجرایی و کارکنان آنان به شهروندان وارد شده است

در بررسی «عوامل مؤثر در اجرایی نشدن کامل حقوق شهروندی از سوی شهروندان (جدول ۵)» «عدم آشنایی یا پایین بودن سطح آشنایی شهروندان با حقوق خود در چهارچوب منشور حقوق شهروندی» به‌عنوان مهم‌ترین معیار در نظر گرفته شد و مشاهده شد که «وجود تبعیض در استفاده شهروندان از مزایای دولت الکترونیک و خدمات الکترونیکی» اهمیت ناچیز دارد.

جدول ۵. نتایج آزمون فریدمن برای عوامل مؤثر در اجرایی نشدن حقوق شهروندی از سوی شهروندان

رتبه	میانگین رتبه	عوامل مؤثر در اجرایی نشدن کامل حقوق شهروندی از سوی شهروندان
۷	۲,۹۴	وجود تبعیض در استفاده شهروندان از مزایای دولت الکترونیک و خدمات الکترونیکی
۶	۳,۴۱	کم بودن دسترسی مستمر شهروندان به مدیران و کارکنان دستگاه‌های اجرایی برای پاسخ‌گویی و ارائه راهنمایی‌های لازم
۵	۳,۷۳	نگرانی شهروندان از حفظ حریم خصوصی خود و نحوه دسترسی دستگاه‌های اجرایی به اطلاعات شخصی آنان
۴	۴,۰۵	تبعیض در میان شهروندان در نحوه دسترسی آنان به حقوق شهروندی خود (مانند زنان و افراد توان‌خواه، و یا اقوام و قومیت‌های خاص)
۳	۴,۵۶	تجربه کردن تبعیض در ارتباط با برآورده شدن حقوق شهروندی در نظام اداری
۲	۴,۶۳	باور شهروندان به این که تنها با استفاده از روابط خویشاوندی، دوستی، قومی و ... در تعامل با دستگاه‌های اجرایی می‌توانند به حقوق خود دست یابند
۱	۴,۶۹	عدم آشنایی یا پایین بودن سطح آشنایی شهروندان با حقوق خود در چهارچوب منشور حقوق شهروندی

در بررسی «موانع ساختاری در اجرای حقوق شهروندی (جدول ۶)» نتایج نشان داد که «برخورد سلیقه‌ای دستگاه‌های مجری در پیاده‌سازی قوانین و مقررات موجود در حوزه حقوق شهروندی» مهم‌ترین معیار و «کمبود منابع انسانی و بودجه در حوزه حقوق شهروندی در نظام اداری در دستگاه‌های اجرایی» معیاری با اهمیت ناچیز است.

جدول ۶. نتایج آزمون فریدمن برای موانع ساختاری در اجرای حقوق شهروندی

رتبه	میانگین رتبه	موانع ساختاری در اجرای حقوق شهروندی
۷	۲,۸۴	کمبود منابع انسانی و بودجه در حوزه حقوق شهروندی در نظام اداری در دستگاه‌های اجرایی
۶	۳,۰۵	عدم استفاده از ظرفیت مدیریت محلی در اجرای حقوق شهروندی
۵	۳,۹۵	عدم استفاده از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد در اجرای حقوق شهروندی
۴	۴,۱۱	عدم استقرار کامل دولت الکترونیک و وجود نلبرابری در نحوه دسترسی شهروندان به خدمات دولت الکترونیک
۳	۴,۴۶	ناهماهنگی بین نهادهای قانون‌گذار، مجری و ناظر در تدوین، اجرا و نظارت بر قوانین و مقررات در حوزه حقوق شهروندی
۲	۴,۶۶	وجود نهادهای موازی در اجرای مفاد حقوق شهروندی در نظام اداری و ناهماهنگی در اجرای امور
۱	۴,۹۳	برخورد سلیقه‌ای دستگاه‌های مجری در پیاده‌سازی قوانین و مقررات موجود در حوزه حقوق شهروندی

در بررسی «موانع فرآیندی در اجرای حقوق شهروندی (جدول ۷)» مشاهده شد که «اثربخش نبودن ضمانت اجرای قوانین و مقررات حوزه حقوق شهروندی» مهم‌ترین معیار و «اثربخش نبودن ارتباط شهروندان با دستگاه‌های اجرایی (کم بودن یا نبودن دسترسی کافی به مدیران و کارکنان)» معیاری با اهمیت ناچیز است.

جدول ۷. نتایج آزمون فریدمن برای موانع فرآیند در اجرای حقوق شهروندی

رتبه	میانگین رتبه	موانع فرآیندی در اجرای حقوق شهروندی
۱۰	۴,۶۵	اثربخش نبودن ارتباط شهروندان با دستگاه‌های اجرایی (کم بودن یا نبودن دسترسی کافی به مدیران و کارکنان)
۹	۵,۰۸	پایین بودن سطح شفافیت در اجرای حقوق شهروندی در نظام اداری
۸	۵,۲۵	ناکارآمدی نظام آموزش مدیران و کارکنان در ارتباط با حقوق شهروندی در نظام اداری
۷	۵,۴۱	نبود سازوکار تشویق و تنبیه مناسب برای اجرا یا عدم اجرای قوانین حقوق شهروندی در دستگاه‌های اجرایی
۶	۵,۴۵	ناکارآمدی نظام ارتقای فرهنگ سازمانی در زمینه حقوق شهروندی
۵	۵,۵۶	نبود انسجام لازم در تدوین و اجرای برنامه‌های عملیاتی در حوزه حقوق شهروندی در نظام اداری
۴	۵,۶۸	نبود سازوکار مناسب در آموزش حقوق شهروندی به شهروندان
۳	۵,۷۸	پایین بودن سطح کارآمدی و یا اثربخش نبودن نحوه اجرای حقوق شهروندی در نظام اداری
۲	۵,۸۴	بی‌توجهی به نظام بازخورها و انتقادات و پیشنهادهای دریافتی از ذی‌نفعان
۱	۶,۳۱	اثربخش نبودن ضمانت اجرای قوانین و مقررات حوزه حقوق شهروندی

در بررسی «موانع زمینه‌ای در اجرای حقوق شهروندی (جدول ۸)» «وجود جو بی‌اعتمادی از طرف شهروندان نسبت به نظام اداری کشور» به‌عنوان مهم‌ترین معیار در نظر گرفته شد و مشاهده شد که «نبودن ثبات مدیریتی در دستگاه‌های اجرایی در نتیجه تغییرات سیاسی در کشور» اهمیت ناچیز دارد.

جدول ۸. نتایج آزمون فریدمن برای موانع زمینه‌ای در اجرای حقوق شهروندی

رتبه	میانگین رتبه	موانع زمینه‌ای در اجرای حقوق شهروندی
۴	۲,۱۵	نبودن ثبات مدیریتی در دستگاه‌های اجرایی در نتیجه تغییرات سیاسی در کشور
۳	۲,۵۳	افزایش روزافزون پدیده مذبذم فساد اداری در میان مدیران و کارکنان دستگاه‌های اجرایی
۲	۲,۵۹	پایین آمدن سطح پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری مدیران و کارکنان دستگاه‌های اجرایی
۱	۲,۷۴	وجود جو بی‌اعتمادی از طرف شهروندان نسبت به نظام اداری کشور

در بررسی «مؤلفه‌های مؤثر در پاسخ‌گویی یک دولت به الزامات حقوق شهروندی (جدول ۹)» «مسئولیت‌پذیری دولت» به‌عنوان مهم‌ترین معیار در نظر گرفته شد و «شفاف بودن دولت» با اهمیت ناچیز محسوب می‌گردد.

جدول ۹. نتایج آزمون فریدمن برای مؤلفه‌های مؤثر در در پاسخ‌گویی یک دولت به الزامات حقوق شهروندی

رتبه	میانگین رتبه	مؤلفه‌های مؤثر در در پاسخ‌گویی یک دولت به الزامات حقوق شهروندی
۶	۳,۱۴	شفاف بودن دولت
۵	۳,۴۴	کارآمدی و اثربخشی دولت
۴	۳,۴۴	هوشمندی دولت و منطبق بودن آن با فناوری و دانش روز
۳	۳,۵۹	سالم بودن دولت و منع سوءاستفاده دولت از قدرت
۲	۳,۶۱	پاسخ‌گو بودن دولت
۱	۳,۷۹	مسئولیت‌پذیری دولت

برآمد

از نتایج به دست آمده در این مطالعه دیده می‌شود که «قانون‌گریزی» مهم‌ترین مؤلفه ناکارآمد در برقراری حقوق شهروندی در پرتوی حکمرانی خوب است. هم‌چنین، در مطالعه عوامل مؤثر در اجرایی‌نشدن حقوق شهروندی از سوی قانون‌گذاران، ناظران، و مجریان به ترتیب «تعدد مراجع قانون‌گذاری»، «اثربخش نبودن سیستم قضایی در برآورده کردن دسترسی سهل و بدون تبعیض شهروندان به مراجع صالح و بی‌طرف قضایی، اداری و نظارتی»، و «عدم جبران خساراتی که در نتیجه قصور و یا تقصیر دستگاه‌های اجرایی و کارکنان آنان به شهروندان وارد شده است» از مهم‌ترین مؤلفه‌ها هستند.

نتایج تحقیق نشان داد که شهروندان نیز به واسطه مؤلفه پراهمیت «عدم آشنایی یا پایین بودن سطح آشنایی‌شان با حقوق خود در چهارچوب منشور حقوق شهروندی» زمینه‌ای برای اجرایی‌نشدن کامل حقوق شهروندی ایجاد می‌کنند. موانع اجرای حقوق شهروندی نیز در سه سطح ساختاری، فرآیندی، و زمینه‌ای مورد بررسی قرار گرفت که به ترتیب «برخورد سلیقه‌ای دستگاه‌های مجری در پیاده‌سازی قوانین و مقررات موجود در حوزه حقوق شهروندی»، «اثربخش نبودن ضمانت اجرای قوانین و مقررات حوزه حقوق شهروندی»، و «وجود جو بی‌اعتمادی از طرف شهروندان نسبت به نظام اداری کشور» مهم‌ترین موانع بر سر اجرای حقوق شهروندی هستند. در نهایت «مسئولیت‌پذیری دولت»، «پاسخ‌گو بودن دولت»، «سالم بودن دولت»، «هوشمندی دولت»، «کارآمدی و اثربخشی دولت» و «شفاف بودن دولت» به ترتیب بیش‌ترین تا کم‌ترین نقش را در پاسخ‌گویی یک دولت به الزامات حقوق شهروندی دارند.

براساس یافته‌های این پژوهش به نظر می‌رسد بین حکمرانی و حقوق شهروندی تعاملی سازنده وجود دارد. رعایت حقوق شهروندی از شاخصه‌های حکمرانی خوب است. بنابراین حکمرانی موضوعی است درباره نحوه تعامل دولت‌ها و سایر سازمان‌های اجتماعی با یکدیگر و ارتباط آن‌ها با شهروندان و نحوه اتخاذ تصمیمات که بر رفاه و کیفیت زندگی شهروندان تأثیر می‌گذارد. از جمله اصول پذیرفته‌شده حاکمیت مطلوب، احترام به حقوق بشر و حقوق زنان، رعایت اصل حاکمیت قانون، وجود فضای آزاد سیاسی، مشارکت، مدارا، تساهل و بردباری، پاسخ‌گویی، شفافیت و کارآمدی و مؤثر بودن نظام اداری است.

منابع

الف) فارسی

۱. آشوری، داریوش. (۱۳۷۹). «*ما و مدرنیته*» تهران: نشر مؤسسه فرهنگی صراط.
۲. ابراهیمی، محسن؛ چکاوک، احمد؛ بازگیر، شهرام. (۱۳۹۴). «*بررسی ارتباط بین دموکراسی، حکمرانی خوب و فساد اقتصادی در دو گروه کشورهای منتخب OPEC و OECD*» کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین پژوهشی مدیریت حسابداری اقتصاد.
۳. امیرعبدالهیان، سمیه؛ صانعی، مهدی؛ صدری، محمد فاضل. (۱۳۹۴). «*بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر اعتماد شهروندان نسبت به دولت*» دانشگاه آزاد اسلامی. واحد شاهرود. دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۴. پورحسینقلی هیر، مهدی؛ مولایی، اللهویردی؛ ابراهیمی خوجین، شهباز. (۱۳۹۳). «*نقش مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها در رعایت و ارتقای حقوق شهروندی*» اولین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در مدیریت کسب‌وکار.
۵. ترکمان، فرح؛ بهمن‌پور، سکینه. (۱۳۸۹). «*نقش شهروندی بر اساس کتاب‌های علوم اجتماعی دوره دبیرستان*» فصلنامه علوم رفتاری. شماره ۳. صص ۱-۲۲.
۶. توحیدفام، محمد؛ حسین‌گلی، اسمعیل؛ دارستانی، میثم. (۱۳۹۴). «*نقش فرهنگ سیاسی در حکمرانی خوب*» دانشگاه آزاد اسلامی. واحد تهران مرکزی. دانشکده علوم سیاسی.
۷. جاسبی، جواد؛ نفری، ندا. (۱۳۸۸). «*طراحی الگوی حکمرانی خوب بر پایه نظریه سیستم‌های باز*» علوم مدیریت ایران. سال چهارم. شماره ۱۶.
۸. حمزه‌ای، مجید؛ برادران، محمدمهدی؛ هاتفی، فاطمه. (۱۳۹۲). «*حکمرانی خوب در شهرداری مشهد*» پنجمین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری.
۹. حیدری سرنقی، فاطمه. (۱۳۹۶). «*بررسی رابطه حکمرانی خوب با سرمایه اجتماعی*» کنفرانس سالانه پارادایم‌های نوین مدیریت در حوزه هوشمندی.
۱۰. دباغ، سروش؛ نفری، ندا. (۱۳۸۸). «*تبیین مفهوم خوبی در حکمرانی خوب*» مدیریت دولتی. صص ۱۸-۳.
۱۱. راسخ، محمد. (۱۳۸۲). «*نظری حق و حقوق بشر بین‌الملل*» مجله تحقیقات حقوقی. دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی. شماره ۴۱.

۱۲. زارعی، محمدحسین. (۱۳۸۳). «حکمرانی خوب، حاکمیت و حکومت در ایران» مجله تحقیقات حقوقی. شماره ۴۰.
۱۳. زارعی، معصومه؛ عسکری، سیدامین. (۱۳۹۶). «چالش‌ها و موانع فراروی تحقق حقوق شهروندی و یافتن راهکارهای عملی در نظام حقوقی ایران» نخستین کنگره بین‌المللی حقوق ایران با رویکرد حقوق شهروند.
۱۴. زاهدی، شمس‌السادات؛ ابراهیم‌پور، حبیب. (۱۳۹۱). «حکمرانی مبتنی بر پایداری (با تأکید بر حفاظت محیطی)» تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
۱۵. سردارنیا، خلیل؛ شاکری، حمید. (۱۳۹۳). «تبیین حکمرانی خوب در نهج‌البلاغه با رویکرد روشی زمینه‌گرا» مجله مطالعات حقوقی. دوره ششم. شماره ۴.
۱۶. سهگانه، مهرداد؛ صانعی، مهدی. (۱۳۹۵). «ارزیابی وضعیت حکمرانی در نظام اداری ج.ا.ا.» کنفرانس بین‌المللی مدیریت و اقتصاد پویا ایران - مالزی.
۱۷. شاکری، حمید. (۱۳۹۳). «حکمرانی خوب شهری، توسعه پایدار و نگاهی اجمالی به حکمرانی شهری در ایران» کنفرانس ملی معماری و منظر شهری پایدار.
۱۸. شریف‌زاده، فتاح؛ قلی‌پور، رحمت‌اله. (۱۳۸۲). «حکمرانی خوب و نقش دولت» فرهنگ مدیریت. سال اول. شماره ۴. صص ۱۰۹-۹۳.
۱۹. عجمی، علی؛ مؤمنی وصالیان، هوشنگ؛ میرزایی نژاد، محمدرضا. (۱۳۹۰). «بررسی اثر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی (مطالعه بین‌کشوری)» دانشگاه آزاد اسلامی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی. دانشکده اقتصاد.
۲۰. علیدوستی، ناصر. (۱۳۸۸). «پلیس و آموزش حقوق شهروندی» فصلنامه مطالعات راهبردی. سال دوازدهم. شماره ۲. مسلسل ۴۴.
۲۱. فالکس، کیث؛ (۱۳۸۱). شهروندی. ترجمه محمدتقی افروز. تهران: انتشارات کویر.
۲۲. فرهادی ایوبلو، فاطمه. (۱۳۹۱). «بررسی ویژگی الگوی حکمرانی خوب در افزایش کارایی نظام اداری سازمان امور اقتصادی و دارایی فارس» دانشگاه پیام‌نور استان فارس. دانشکده علوم انسانی.
۲۳. فلاح حیدری، فاطمه؛ قلی‌پور، یاسر؛ سلیمی، سروه. (۱۳۹۵). «تحلیلی بر وضعیت حکمرانی خوب شهری در شهر مریوان» پنجمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم جغرافیا و برنامه‌ریزی، معماری و شهرسازی

۲۴. قلی‌پور، رحمت‌اله. (۱۳۸۳). «*تحلیل و امکان‌سنجی الگوی حکمرانی خوب در ایران با تأکید بر نقش دولت دانش مدیریت*» شماره ۹۷.
۲۵. لندنیان، هوشنگ؛ سلیمی، علی. (۱۳۹۹). «*بررسی حقوق شهروندی در دادرسی قضایی و چالش‌های آن*» فصلنامه حقوق ملل. سال دهم. شماره ۴۰. صص ۵۵۳-۵۷۰.
۲۶. لندنیان، هوشنگ؛ سلیمی، علی. (۱۳۹۹). «*بررسی تکالیف کارکنان و دستگاه‌های اجرایی نسبت به حقوق شهروندی*» فصلنامه حقوق ملل. سال دهم. شماره ۴۰. صص ۵۱۹-۵۳۳.
۲۷. معرفت قره‌بابا، آرزو. (۱۳۹۳). «*مقایسه حکمرانی خوب و حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی*» سومین همایش ملی سالیانه علوم مدیریت نوین.
۲۸. مقیمی، محمد؛ اعلائی اردکانی، مصطفی. (۱۳۹۰). «*سنجش شاخص‌های حکمرانی خوب و نقش دولت الکترونیک در ارتقای آن*» - Journal of Informa-tion Technology. شماره ۸. صص ۱۷۱-۱۸۸.
۲۹. نقیبه منفرد، حسام. (۱۳۸۹). «*حکمرانی مطلوب در پرتوی جهانی شدن حقوق بشر*» تهران. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۳۰. نوابخش، مهرداد؛ بذرافشان، محمد. (۱۳۹۳). «*بررسی میزان سنجش توسعه پایدار شهری در شهر شیراز در ۱۰ سال اخیر*» مطالعات توسعه اجتماعی ایران. دوره ۶. شماره ۳. مسلسل ۲۳. صص ۴۹-۶۹.
۳۱. نوروزی، فیض‌الله؛ گل پرور، منا. (۱۳۸۹). «*بررسی میزان احساس برخورداری زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن*» فصلنامه راهبرد. سال بیستم. شماره ۵۹.

(ب) انگلیسی

1. Dzhumashev, Ratbek. (2014). "*Corruption and growth: The role of governance, public spending, and economic development.*" Economic Modelling. Vol. 37. 202-215.
2. Elahi, Khandakar Qudrat-I. (2009). *UNDP on Good Governance*. International Journal of Social Economics. 36 (12), 1167-1180.

3. Kimutai, Gilbert K; Aluvi, Patrick Amisi. “*Good Governance and Service Delivery: A Study of Citizen Participation in Kisumu County.*” Universal Journal of Management 6(2): 59-69, 2018.
4. Zhang, Kelly. (2012). “*Increasing Citizen Demand for Good Governance in Kenya.*” Stanford University.

